

جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی

پس از انقلاب اسلامی

پیمان عین القضاتی^۱ حسن خیری^۲ محمد حسین پوریانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

چکیده:

توسعه جنبش دانشجویی بعنوان پیشران فعالیت های اجتماعی امروزه یکی از دغدغه های مهم نظام جمهوری اسلامی می باشد اما افت شاخص های جنبش دانشجویی ایران در سال های اخیر بیانگر اهمیت بالای نیاز به تفکر و اقدام در راستای توسعه آن می باشد و برای دستیابی به مدل نیاز به تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی است که چگونگی و چرایی آنرا بیان می دارد. با توجه به ابعاد ذکر شده برای جنبش دانشجویی در ادبیات موجود یکی از عناصر بسیار مهم ساختارها می باشند که بر جنبش تاثیر می گذارد و نکته مهم در مورد ساختارها مناسبات دولت ها و روشنفکران با جنبش می باشد از آنجا که تاکنون به این بعد از تحلیل جنبش دانشجویی توجه نشده است این پژوهش به دنبال یافتن چارچوبی برای تحلیل جنبش دانشجویی در فضای دانشگاه ها می باشد. پژوهش از نوع کیفی بوده و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوظهور به تدوین چارچوب توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای رابطه دولت ها و روشنفکران با جنبش می باشد. داده برداری از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با جمعی از دبیران اتحادیه ها و تشکل های دانشجویی و فعالان جنبش دانشجویی از ابتدای انقلاب تاکنون می باشد و طی مصاحبه با ۱۵ نفر اشباع نظری به دست آمده است. چارچوب نهایی پژوهش شامل دو الگوی تشخیص و تعیین افت جنبش دانشجویی و توسعه جنبش دانشجویی می باشد در الگوی تشخیص سه مقوله اصلی علل ضعف جنبش و نشانه های افت شاخص جنبش دانشجویی و عواقب منفی دیده می شود. همچنین در الگوی توسعه جنبش دانشجویی پنج مقوله اصلی شامل ماهیت های تقویت کننده، پدیده های محوری، راهبردها و پیامدها وجود دارد.

واژگان اصلی: ساختار، دولت، روشنفکران، جنبش دانشجویی، نظریه داده بنیاد

مقدمه

ظهور جنبش دانشجویی از سوی دانشجویان متمرکز بر تحرکات دانشجویی معمولاً برای سیاسی کردن حوزه عمومی و نقد قدرت و تاثیرگذاری بر آن و غالباً همراه با آرمانگرایی های عدالت خواهانه چپ و در مقابله با تبعیض، بی عدالتی و اقتدار گرایی است. (نخعی، ۱۳۹۵، ۳۴) برخی از مهمترین کارکردها و ماهیت جنبش دانشجویی نقد، روشنگری، آرمان خواهی، رابط و میانجی بودن جنبش دانشجویی برای بیان و انتقال خواسته های جامعه، بیان قاطع، خشن و پرخاشگرانه ی مشکلات جامعه، و... می باشد. (کریمیان، ۱۳۹۰، ۸۵) اما نگاهی به وضعیت جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها پس از انقلاب اسلامی بیانگر فراز و فرودهایی این جنبش است که در سال های اخیر، اعلام موضع و صدور بیانیه از سوی تشکل های دانشجویی در ارتباط با رخدادهای سیاسی کم‌تر دیده می شود. به عبارتی فضای کنونی "پویشی" است نه "جنبشی" و فردیت در بین دانشجویان زیادتر شده است. (جلایی پور، ۱۳۹۷، ۲۵) سکوت و عزلت جنبش دانشجویی مشهود بوده و ثمرات آن تقلیل فعالیت ها و مشارکت های دانشجویی می باشد.

از آنجاکه جنبش دانشجویی زیر مجموعه جنبش های اجتماعی می باشد و جنبش های اجتماعی را پدیده های چندوجهی می دانند، ولی لازم است در تحلیل اجتماعی جنبش دریابیم که عوامل تعیین کننده ی آن چیست؟ در نظریه های جامعه شناسی، برای تحلیل پدیده های اجتماعی مکاتب و تقسیم بندی های گوناگونی وجود دارد و مهمترین دسته بندی آنها تقسیم نظریات به خرد و کلان یا عامل گرا و ساختار گراست. برخی از اندیشمندان موتور حرکت جنبش های اجتماعی را فرد یا عاملیت و گروهی دیگر ساختارها را در نظر می گیرند. آلتوسر اولویت ساختارها را بر فهم و اراده عاملان بیان می کند. یعنی عاملان انسانی تحت الزام ساختار و جایگاه های برآمده از ساختارها هستند و عمل می کنند. به نظر آلتوسر، یک تشکل اجتماعی از سه عنصر بنیادی ساخته می شود اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی. کنش های متقابل این اجزای ساختاری، کل اجتماعی را در هر زمان می سازند. (ریتزر، ۱۳۷۴، ۲۲۵) از نظر وبر، جامعه شناسان باید به بررسی کنش های افراد و معانی وابسته آن ها بپردازند. آنان باید بفهمند که چرا فردی کاری را انجام می دهد یا چیزی می گوید و نیز باید بفهمند افراد چه معنایی به وضعیت های گوناگون نسبت می دهند. آنچه مورد توجه وبر بود کنش ها و معانی بودند. از نظر او فهم این نکته از اهمیت برخوردار است که چه طور افراد به کنش هایشان معنا می بخشند. نکته دیگر آن که افرادی مانند پیر بوردیو و آنتونی گیدنز در تلاش هستند که نظریه جامعه شناسی را از دوگانه انگاری عاملیت و ساختار نجات دهند.

اما به هر حال این سوال به ذهن می‌رسد که چه مولفه‌هایی می‌توانند جنبش دانشجویی را در دانشگاه‌ها به لحاظ ساختاری تقویت یا تضعیف کنند؟ در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها با دو عنصر دولت‌ها و روشنفکران در تعامل است. در این میان رابطه ساختارها و جنبش دانشجویی که مبتنی بر ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها است کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. ساختارها به دو بخش درونی و برونی در دانشگاه‌ها تقسیم می‌گردند که در ساختارهای بیرونی دولت‌ها و روشنفکران و احزاب نقش اصلی دارند. از این رو نحوه تعاملات بین ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها با جنبش دانشجویی سبب رشد و تکامل یا افول و انحراف، خاموشی و حرکات سطحی جنبش‌های دانشجویی می‌گردد.

بنابر اهمیتی که توسعه جنبش دانشجویی در جامعه برای رشد و تعالی آن نیاز دارد تدوین چهارچوبی برای ارتباط مولفه‌های این سازه با سازه‌های دولت و روشنفکران در جهت توسعه جنبش دانشجویی ضروری است از این رو لازم است در طی یک پژوهش توسعه‌ی، به بررسی رابطه دولت‌ها و روشنفکران با جنبش دانشجویی پرداخته شود و به تبیین این مهم پرداخته که مناسبات دولت‌ها و روشنفکران تا چه اندازه می‌تواند جنبش دانشجویی را در دانشگاه‌ها بهبود بخشد؟

این تحقیق تلاشی است در جهت تبیین و تشریح رابطه و بررسی کارکردها و نتایج تاثیر گذاری دولت‌ها و روشنفکران بر جنبش دانشجویی که نهایتاً عملکرد آن را بهبود بخشد، لذا هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی و تبیین چهارچوب تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی مبتنی بر رابطه با دولت‌ها و روشنفکران پس از انقلاب اسلامی در جامعه آماری منتخب از فعالان جنبش دانشجویی ایران است.

۱. ادبیات نظری

۱.۱ جنبش دانشجویی:

در جنبش دانشجویی به معنای عمل جمعی، اختیاری، داوطلبانه و جهت‌دار دانشجویی برای ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی است، جنبش دانشجویی به کوشش جمعی دانشجویان برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه‌ای که خود جزئی از آن هستند هم، اطلاق می‌شود. پس، هر عمل جمعی دانشجویی، جنبش دانشجویی نیست بلکه جنبش دانشجویی، به یک حرکت جمعی گفته می‌شود که افراد آن، به قصد ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی پا

پیش می‌گذارند، البته ممکن است، گاهی بخواهند در مقابل برخی تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی بایستند. این افراد، جمع خود برانگیخته‌ای هستند که تغییر و تحول را جست‌وجو می‌کنند. این تغییر و تحول، می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد که از تحول در فکر و اندیشه تا ایجاد تغییر در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره را در برگیرد. (خرمشاد، ۱۳۸۴، ۷۹) پس در این تعریف بر تغییر و تحولات سیاسی که همان سیاست دولت‌ها می‌باشد تاکید شده است. طبق نظریه کارکردگرایانه ظهور جنبش‌های دانشجویی پاسخی به نارسایی نهادهای دانشگاهی در برابر شرایط جدید در دانشگاه‌هاست در نگاه کارکردی و با توجه به شرایطی که در آن ساختار اداری و آموزشی دانشگاه‌ها فاقد انعطاف و کارایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای انبوه دانشجویان است بر کارکرد هویت بخش جنبش‌های دانشجویی تاکید می‌شود بر همین اساس پس از اوج‌گیری جنبش‌های دانشجویی در آمریکا و اروپا در دهه ۱۹۶۰ کوشش فراوانی شد که ساختار اداری و آموزشی دانشگاه‌ها به گونه‌ی متحول، منعطف و کارا شود که امروزه دانشجویان گوناگون و تشنه هویت جدید بتوانند در فضای دانشگاهی از طرق قانونی و آرام خواسته‌ها و هویت خود را ابراز کنند (باربیه موريس، ۱۳۸۳، ۳۸) یعنی ساختارهای درونی و برونی دانشگاهها در شکل‌گیری جنبش دانشجویی تاثیر مستقیم دارد. بر اساس نظریه فرهنگ سیاسی، جنبش‌های دانشجویی عامل و مولد فرهنگ جدید سیاسی در جامعه معرفی می‌شوند. بدین معنا که در جامعه، الگویی که از قبل جا افتاده است به صورت عادت از آنها پیروی می‌شود اما دانشجویان با تکرار شعارهای خود تلاش دارند هژمونی سیاسی تبلیغی دستگاه رسمی و حاکم بر جامعه را به چالش بکشند به بیان دیگر دانشجویان از میان اندیشه‌های روشنفکران یا از میان مفاهیم و نظریات گوناگون تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمان تشخیص می‌دهند بر می‌گزینند و مرتباً آنها را به منزله مطالبات خود در حرکت‌های جمعی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم رفته‌رفته جا را برای فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند (جلایی پور، ۱۳۸۹) برای توسعه و رشد جنبش دانشجویی به ساختارهای درونی و برونی دانشگاه‌ها و سیاست دولت‌ها و بدیع و نوآورانانه بودن نظرات روشنفکران در اقتناع دانشجویان می‌توان استناد نمود.

۲.۱. دولت: با واژه state به معنای وضع مستقر و پابرجا در نظر گرفته شده است به همین دلیل است که گفته می‌شود پادشاه ضامن ثبات امنیت نظم و به صورت ضمنی تامین کننده رفاه جامعه است (وینسنت، ۱۳۸۲، ۳۶۱) و بر دولت را گروهی می‌داند که "کاربست خشونت فیزیکی را در

محدوده سرزمین خاصی به خود اختصاص می‌دهد" دورکیم دولت را نتیجه تقسیم کار اجتماعی می‌داند (Durkheim, 201). ایده آلیست‌هایی مانند روسو، کانت، هگل دولت را نهادی اخلاقی می‌دانند که برای رشد کامل اخلاق انسان غیر قابل صرف نظر است (عالم، ۱۳۸۴، ۵۸). مارکس هم دولت را سازمان یک گروه یا طبقه برای سلطه و استثمار گروه‌ها و طبقات دیگر می‌داند (همان، ۱۲). پست مدرن‌هایی مانند نیچه و ویتگنشتاین هایدگر لاکان دریدا و فوکو که دولت مدرنیسم را به نقد کشیدند به جهانی شدن دولت معتقد بودند که توجهی به رابطه با جامعه ندارند و معتقدند جهانی شدن با ارائه الگوی مصرف و تولید سرمایه‌داری لیبرال تزلزل قدرت سیاسی کشورها با تحمیل دموکراسی غربی و از هم گسستن بافت فرهنگی تصویب شده جوامع ملی وفاق ملی این جوامع را با چالش جدی روبه‌رو خواهند کرد (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

تعریف دولت بزرگترین سازمان‌بندی گروه انسانی است؛ که قدرت سیاسی در آن به جریان می‌افتد و عالیترین تجلی قدرت نیز نام گرفته است (جمالی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). بنابراین مراد مازاد دولت دستگاه سیاسی حاکم بر کشور می‌باشد که دو گونه نظام سیاسی دارد، یا به صورت دموکراتیک است که در آن نارضایتی به صورت متراکم شکل می‌گیرد در این وضعیت فعالیت دانشجویان کمتر جنبه اعتراض سیاسی به خود می‌گیرد و یا نظام سیاسی بسته است که عدم امکان دسترسی شهروندان به رهبران سیاسی را ایجاد می‌کند که در نتیجه آن دانشجویان احساس می‌کند به افکار او کم توجهی شده بنابراین به ساخت و ماهیت نظام حاکم یا دولت بدبین می‌شود و بر ضد آن تجهیز می‌شود. (کریمیان، ۱۳۹۰، ص ۵۰).

۳.۱. روشنفکر: واژه «روشنفکر» در زبان فارسی، معادل واژه *Intellectuel* در زبان فرانسوی، *aufklärer* در زبان آلمانی، *enlightenment* و *intelligentsia* در زبان انگلیسی و واژه‌های متنور، متنور العقل، مفکر و متقف در زبان عربی است (آریانپور، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵۱) در لغتنامه دهخدا نیز به نقل از فرهنگ فارسی معین آمده است که روشن فکر، صفت مرکب است و معنای (لغوی) آن عبارت است از: «کسی که دارای اندیشه روشن است و در امور بانظرباز و متجددانه می‌نگرد» (دهخدا، ۱۳۴۶، ص ۱۷۱). در نظر عرف جامعه، روشنفکر کسی است که فکر روشنی نسبت به مسائل اجتماعی دارد و یا انسانی که نوعی اعتراض و گفتگو نسبت به این مسائل دارد. آنتونیو گرامشی بانگاه ساختی کارکردی معتقد است هر گروه اجتماعی، روشنفکرانی مخصوص به خود دارد و در حقیقت روشن فکر از گروه‌ها برمی

خیزد (گرامشی، ۱۳۸۵، ص. ۵۵) یعنی هر گروه و طبقه اجتماعی روشنفکر مخصوص به خود دارد و از دوره روشنفکری به دوران روشنفکران رسیده ایم. باتامورین تحصیل کردگان و روشنفکران تفاوت قائل می‌شود و می‌گوید روشنفکران گروه کوچکی هستند که مستقیماً در خلق، انتقال و انتقاد افکار و عقاید شرکت داشتند. در مجموع، خصلت ویژه روشنفکران این است که با فرهنگ جامعه ارتباط مستقیم دارند. (باتامور، ۱۳۷۲، ص. ۷۰) به نظر باتامور روشنفکران باید ارتباط مستقیم با جامعه داشته و به نقد آن بپردازند. اما جریان روشنفکری در ایران معاصر و دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی با شریعتی عجین شده است. دکتر شریعتی می‌گوید روشنفکر، متفکری است که به آگاهی رسیده و در نتیجه دارای جهان بینی باز و متحول و قدرت درک و تحلیل منطقی اوضاع و احوال زمان و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کند، با احساس و وابستگی تاریخی، طبقاتی ملی، بشری و بینش و جهت مشخص اجتماعی و ناچار حس مسولیت که همه اراده‌ی همان آگاهی خاص انسانی است. این آگاهی، عالی‌ترین شاخصه‌ی نوع انسانی است که در افراد تکامل یافته‌تر متجلی‌تر است. یک نوع آگاهی ایدئولوژیک و به تعبیر قدما یک استعداد هدایت و شعور نبوت و شمس راهبری است. (شریعتی، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۹) استاد مطهری که برآمده از حوزه دین می‌باشد، فردی را روشنفکر می‌داند که به آگاهی طبقاتی ملی و انسانی رسیده است و در راه اصلاح جامعه و رهایی از اصالت‌های اجتماعی قدم برمی‌دارد. (دژاکام، ۱۳۷۹، ص. ۸) آیت‌الله خامنه‌ی نیز درباره روشنفکر می‌گویند (در روشنفکری به معنای حقیقی کلمه، نه ضدیت با مذهب هست و نه ضدیت با تعبد. یک انسان می‌تواند هم روشنفکر باشد؛ به همان معنایی که همه روشنفکر را تعریف کرده‌اند - کسی که به آینده نگاه می‌کند، کار فکری می‌کند، رو به پیشرفت دارد - و هم می‌تواند مذهبی باشد، می‌تواند متعبد باشد) (آیت‌الله خامنه‌ی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷) ایشان روشنفکر پس از انقلاب را دارای فکر خلاق و بدیع و همسو بادین می‌داند.

مفهوم روشنفکری دینی از تقلای عاملان انسانی در برزخ میان دنیای قدیم و جدید بر ساخته شده است. پس منظور ما از روشنفکر کسی است که رهبری فرهنگی یک جامعه را می‌پذیرد و می‌تواند پیام و نگرش و فلسفه خاصی را بیان کند و در راه اصلاح جامعه از کژی‌های گذشته قدم بر می‌دارد و آنرا روشنفکر دینی یا مسلمان می‌گویند.

۲. پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل عوامل اجتماعی جنبش دانشجویی پیش از این نیز تحقیقات ارزشمندی به بررسی

ابعاد مختلف جنبش دانشجویی پرداخته اند: برخی از این آثار عبارتند از: علی اسماعیلیان (۱۳۷۸) با پژوهشی با عنوان "بررسی جنبش دانشجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران" به بررسی پروسه تاثیر جنبش دانشجویی و نقش آن در ظهور و تداوم انقلاب اسلامی می پردازد و جنبش دانشجویی را از دو زاویه مختلف یکی پرداختن به ویژگی های دانشجو به عنوان عنصر اصلی حرکات اجتماعی و دیگر عملکرد و مواضع جنبش در رابطه با دولت و حکومت مورد توجه و پژوهش قرار داده است. اسماعیلیان در نتیجه گیری روابط دولت ها را با جنبش دانشجویی تابعی از اتحاد و انتقاد به دولت و حاکمیت می گوید. دکتر حمیدرضا جلائی پور در مقاله ای با عنوان (فهم جنبش دانشجویی در ایران با تاکید بر فعالیت های دانشجویی در دوره اصلاحات ۱۳۸۴-۱۳۷۶) نتیجه می گیرد که جنبش دانشجویی از بین نخواهد رفت. این جنبش از طریق تاثیر بر افکار عمومی به مبارزه برخاسته است. این جنبش نباید از اهداف دائمی در دانشگاه دست بردارد. مراد تقفی در مقاله (دانشجو، دولت و انقلاب) با رجوع به تاریخچه جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب تلاش می کند به دلایل ضعف این جنبش بپردازد و درمی یابد جنبش در برزخ بین الگوی انقلابی و الگوی دموکراتیک محکوم بوده و هست که در پی بی تحرکی محض به سربرسد. حسین بشیریه (۱۳۸۰) هدف اصلی جنبش های دانشجویی را متنوع کردن حوزه سیاسی جامعه از طریق مباحثه دموکراتیک می داند. بشیریه در مورد تعامل جنبش های دانشجویی با قدرت و نظام های سیاسی نیز بیان می دارد: به نظر من نباید ماهیت این گونه جنبش های اساسا فکری و روشنگر و نقاد با ماهیت گروه های قدرت طلب و ذی نفوذ خلط شود یعنی باید جنبش دانشجویی استقلال سیاسی داشته باشد.

در حوزه مطالعات خارجی با موضوع جنبش دانشجویی، "تغییر پایه های اجتماعی جنبش دانشجویی آمریکا" که توسط میلتن مکاف و ریچارد فلکس در سال ۱۹۷۱ در دانشگاه ویسکانسین انجام شده است به بررسی تغییرات زمینه های اجتماعی شرکت کنندگان در شورش های دانشجویی می پردازد و عواملی از قبیل ساختار طبقاتی جامعه، استبدادی بودن ساختارهای سیاسی و... را در جنبش های دانشجویی ۱۹۶۰ آمریکا مطالعه می کند و نتایج این پژوهش ها نشان می دهد که دانشجویانی که از طبقه اجتماعی متوسط هستند، در شهرهای نسبتاً بزرگ ساکنند و والدین آنها دارای تحصیلات بالاتری هستند، بیشتر در فعالیت های سیاسی دانشگاه ها شرکت می کنند. "دانشجویان و سیاست" که توسط جوا رابرتو و مارتینز فیلو در سال ۱۹۹۸ در برزیل به بررسی

تاثیر جنبش دانشجویی در سیاست های ملی برزیل پراخته است. دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش، فاصله زمانی ۱۹۹۲-۱۹۶۲ می باشد، دوره ای که عنوان "کودتا در کودتا" لقب گرفته است. این پژوهش نشان می دهد که جنبش دانشجویی برزیل مبین خواسته ها و مطالبات طبقه متوسط بوده و دوره کودتا در برزیل توسط مطالبات دموکراسی خواهانه جنبش دانشجویی به پایان رسیده است .

"روابط دولت- ملت گفتمان ها و فعالیت های جنبش دانشجویی پکن" در سال ۱۹۸۹ که توسط دیانگین زاوو در سال ۲۰۰۰ انجام شده است به بررسی تاثیر فرهنگ چینی بر جنبش دانشجویی ۱۹۸۹ پکن و الگوهای عمل سستی در بین این جنبش می پردازد. انتخاب الگوی عمل در جنبش دانشجویی متأثر از روابط دولت و ملت در چین می باشد. ضعف سازمان های مدنی در چین بر عملکرد جنبش موثر بوده است. جنبش دانشجویی چین به خاطر شرایط سیاسی جامعه سعی در پنهان کردن اهداف واقعی و اتخاذ رویکردهای ایمن تر و اهداف و شیوه های عملی داشتند که مانع ایجاد برخورد شدید حاکمیت با جنبش شود .

۳. چارچوب نظری

از سازوکارهای مهم تغییرات اجتماعی در جوامع جدید جنبش های اجتماعی هستند. باتمور جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیش برد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه ای که خودبخشی از آن را تشکیل می دهد تعریف می نماید (باتمور، ۱۳۶۶، ص. ۵۶) از دیدگاه جامعه شناسی عاملیت و ساختار در تحقق تغییرات اجتماعی و به تبع جنبش های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بدین ترتیب جنبش دانشجویی در دانشگاهها نیز تحت تاثیر ساختارها و عاملیت شکل می گیرد. آلتوسر یکی از مطرح ترین نظریه پردازان ساختار گرا در دوران اخیر است وی اولویت ساختارها بر فهم واراده عاملان را بیان می کند. یعنی عاملان انسانی تحت الزام ساختار و جایگاه های برآمده از ساختارها هستند و عمل می کنند. به نظر آلتوسر، یک شکل اجتماعی از سه عنصر بنیادی ساخته شده می شود اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی. کنش های متقابل این اجزای ساختاری، کل اجتماعی را در هر زمان می سازند. (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۲۲۴) گی روشه معتقد است؛ جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف های خاصی به گروه بندی و تشکل اعضا می پردازد. (گی روشه، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۴) وی جنبش هارا زیر مجموعه تغییرات اجتماعی دانسته و سه اصطلاح که از آنها در

تغییرات اجتماعی سخن به میان می‌ورد عوامل تغییر (ساختارها)، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر (کنشگران اجتماعی) می‌داند. (گی روشه ۱۳۷۵، ص. ۳۲) در ادبیات علوم اجتماعی دولت را بعنوان ساختاری سازمان یافته که در شکل نهادی اش مدیریت عمومی جامعه و تنظیم روابط در مقیاس های ملی و فراملی راعهده دار است معرفی نموده است. آنچه که در نظر ماکس وبر دولت عالی ترین مقام و مرجعی است که انحصار اعمال قدرت و اقتدار را در قلمرو معین در اختیار دارد. قدرت که از جانب دولت اعمال می‌گردد خود مهمترین ساختاری است که تغییر اجتماعی را رغم می‌زند. سنخ دولت ها یعنی حداکثری یا حداقلی سبب تعیین میزان تغییرات اجتماعی و جنبش ها خواهد بود. رابطه روشنفکران و ارتباط آنها بر طبقات اجتماعی بحث کمیاب تر و دشوارتری است. اما در پیش تر گفته شد آنتونیو گرامشی به علت وجود انواع گوناگون روشنفکران آنان را مانند انداموره در نظر می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۱) که سه نقش عمده در زندگی سیاسی ایفای کند یکی انتقاد از نظام سیاسی، دوم مشارکت و سوم انزو اوکناره گیری از زندگی سیاسی می‌باشد. با توجه به موارد عنوان شده می‌توان نتیجه گرفت که ارتباطی بین جنبش دانشجویی و عواملی مانند دولت ها و روشنفکران وجود خواهد داشت و به عبارت دیگر چگونگی ارتباط و نقش دولت در جنبش دانشجویی و شیوه گفتمان روشنفکران در جامعه می‌تواند زمینه ساز رشد یا توسعه جامعه دانشجویی را دنبال داشته باشد اما برای بررسی صحت یا عدم صحت این ادعا ابتدا باید تمامی عوامل موثر بر جنبش دانشجویی متاثر از دولت ها و روشنفکران از پیشینه مطالعاتی در مرحله قبل استخراج کرد در جمع بندی تمامی عوامل مستخرج شده از ادبیات و پیشینه نظری تحقیق دو دسته کلی ساختار و کنش را که در ادبیات پژوهش وجود دارد به عنوان عوامل موثر بر جنبش دانشجویی پیشنهاد می‌دهد بر این اساس چارچوب پیشنهادی در زمینه تاثیر دولت ها و روشنفکران و جنبش دانشجویی قابل توسعه است که در قسمت های بعدی در زمینه مدل نوخاسته توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر دولت و روشنفکران از آن مدد گرفته شده است.

۴. روش شناسی پژوهش

از آنجا که در پژوهش های گذشته به موضوعی با عنوان "جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی پس از انقلاب اسلامی" تواما باهم پرداخته نشده است بنابراین در این تحقیق با رویکردی کیفی و با استفاده از روش داده بنیاد مدل جنبش دانشجویی و مناسبات دولت ها و روشنفکران دینی در دهه های پس از انقلاب تدوین گردیده است. در این راستا پرسش اصلی

پژوهش به شرح زیر بوده است:

جنبش دانشجویی چگونه بوجود می آید؟ و چه عواملی باعث جنبش می شود؟ و چه رابطه ی بین جنبش دانشجویی با دولت ها و روشنفکران وجود دارد؟ ساختارهای برون دانشگاهی تاثیر گذار بر جنبش دانشجویی کدامند؟

در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی و پر کردن خلاء نظری موجود پرسش فرعی زیر تدوین می شود. -مناسبات روشنفکران با جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه راهی می تواند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

-مناسبات دولت ها با جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه طریقی می توانند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

در نظریه پردازی داده بنیاد، گردآوری اطلاعات تازمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع برسد، یعنی زمانی که پژوهشگر از داده ها اشباع شد و یقین یافت که از داده ها بی نیاز است و هیچ اندیشه و مفهوم جدیدی پدید نیامده و معانی، اندیشه ها و مفاهیم در دور و تسلسل افتادند، نمونه متوقف می شود. به این نوع نمونه گیری، نمونه گیری نظری می گویند. پس از جمع آوری داده ها برای تحلیل و تفسیر تاحصول به استنباط نظری در این تحقیق پس از اشباع نظری، از فرآیند ۱. کدگذاری باز ۱. کدگذاری محوری و ۲. کدگذاری انتخابی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش با مشورت از متخصصان تحلیل جنبش دانشجویی دبیران اتحادیه های تشکل های دانشجویی و فعالان دانشجویی از ابتدای انقلاب تا کنون می باشند که تعداد افراد مصاحبه شده ۱۵ نفر بوده اند. این افراد به روش نمونه گیری هدفمند از نوع شبکه ای یا زنجیره ای انتخاب شده اند. در بررسی پیشینه و چارچوب پیشنهادی، روش مرور نظری (کتابخانه ای) و از مصاحبه نیمه ساختار یافته در مرحله داده برداری استفاده شده است.

جهت اعتباریابی چارچوب پیشنهادی در این تحقیق براساس شاخص های ارزیابی مقبولیت کوربین و اشتراوس (۲۰۰۷) برای اعتبار درونی عمل شده است. به طوری که برای شاخص تناسب یافته های پژوهش توسط سه نفر از متخصصین جامعه شناسی سیاسی مورد ارزیابی، پالایش و تایید قرار گرفته

۱- open Coding

۲- Axial Coding

است، برای شاخص کاربردی بودن، یافته‌های پژوهش از لحاظ علمی و عملی و قابل کاربرد در اداره تشکل‌های اسلامی دانشجویان و نهاد‌های تصمیم‌ساز در عرصه سیاست‌های فرهنگی می‌باشد. از نظر شاخص مفاهیم، تعدادی از مفاهیمی که در ادبیات و پیشینه مباحث مرتبط با جنبش دانشجویی مورد توجه قرار گرفته‌اند به دقت بررسی شده و دیدگاه‌های مختلف در مورد آن بیان شده‌اند. از نظر شاخص زمینه‌یابی مفاهیم، یافته‌های حاصل از پژوهش کنونی نیز در بستر تشکل‌های دانشجویی بیان شده است. از حیث منطقی بودن روایت پژوهش تلاش شده است که یافته‌های پژوهش معنادار بوده و به واقعیت‌ها ارتباط داشته باشند. همچنین از نظر شاخص، عمق یافته‌های پژوهش به طور مفصل، همراه با جزئیات و با توجه به مصادیق و ابعاد ارائه شده‌اند. از نقطه نظر شاخص انحراف، یافته‌هایی که با الگوی پژوهش تناسب نداشتند نیز در بخش‌های مختلف از جمله بخش بحث و نتیجه‌گیری مورد اشاره قرار گرفته‌اند. از نظر شاخص بداعت، در پژوهش حاضر نوآوری و بیان مفاهیم و ابعاد بدیع مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است. که می‌توان به مفاهیمی مانند تاثیر "در مینیسس تاریخی" بر جنبش دانشجویی، "زمینه و عوامل محیطی در عرصه بین الملل" و... اشاره کرد. از نقطه نظر شاخص حساسیت، موضوع و فرآیند پژوهش کنونی برای پژوهشگر مهم و جذاب بوده و از این رو تلاش کرده است در انجام آن جدیت وجود داشته باشد و در حین انجام پژوهش پرسش‌های بسیاری برای پژوهشگر ایجاد شود و نسبت به آنها حساسیت نشان داده شده است. و از نظر شاخص استفاده از یادداشت‌ها در پژوهش کنونی یادداشت‌ها و یادآوری‌های متعددی در حین پژوهش به ثبت رسید که در طی فرآیند تجزیه و تحلیل و مدل‌سازی بسیار مورد استفاده قرار گرفتند.

در جهت اعتبار بیرونی چارچوب پیشنهادی نیز از "قابلیت انتقال پذیری" استفاده شده است. قابلیت انتقال از نظر مفهومی شبیه تعمیم‌پذیری در مطالعات کمی است (استومل و ویلز: ۲۰۰۴). برای تایید این شاخص نسبت به آرایه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت کنندگان و خصوصیات محیط به افزایش تناسب داده‌ها با محیط تحت مطالعه (نمونه‌گیری نظری) انجام شد، جهت تایید انتقال پذیری نیز یافته‌ها با نمونه‌هایی که در مطالعه شرکت‌دارند در میان‌گذارد شد و نظرات آنها پیرامون تناسب یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت که تناسب یافته‌ها مورد بررسی و تناسب یافته‌ها را مورد تایید قرار دادند. همچنین توسعه و توصیف غنی از مجموعه داده‌های مطالعه مورد نظر در طول مرحله گردآوری داده‌ها که این امر می‌تواند پتانسیل‌های قابلیت انتقال را افزایش دهد مد

نظر قرار گرفته و در نهایت، استفاده از رویه های ویژه کد گذاری و تحلیل اسناد و مکتوبات و نماد ها و نشان ها و سایر موارد در مرحله تحلیل داده که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می کند. مدنظر محقق قرار گرفته است.

۵. یافته های پژوهش

همانطور که در چارچوب پیشنهادی گفته شد ارتباطی بین جنبش دانشجویی با عوامل دولت ها و روشنفکران وجود دارد و به عبارت دیگر دولت ها و روشنفکران می توانند زمینه سازی مانع جنبش دانشجویی باشند. در این پژوهش از تئوری داده بنیاد جهت توسعه مدل و سازماندهی داده های جمع آوری شده از مصاحبه ها استفاده شده است سه طرح یا شیوه برای انجام نظریه داده بنیاد وجود دارد (یک) شیوه سیستماتیک که توسط کوربن و اشتراس ۱۹۹۰ مطرح شد و با سوالات ساختارمند روابط بین ابعاد مدل را هم نشان می دهند (دو) شیوه نوحاسته یا رهیافت ظاهر شونده که توسط گلیرز ۱۹۹۲ توسعه داده شد مبنای پژوهش حاضر نیز همین شیوه است که به نظریه داده بنیاد کلاسیک نیز مشهور است (سه) شیوه سازگارا که توسط کتی چارمز در سال ۲۰۰۰ توسعه داده شد (بازرگان، ۱۳۹۶، ص ۹۶) روش ناخاسته برخلاف طرح سیستماتیک که رویکردی ساختارمند بر روش نظریه داده بنیاد دارد و مقوله ها را در این چارچوب قرار می دهد و همچنین بر خلاف طرح اقتضائی خانم کتی چارمز که موضوع فلسفی این رویکرد را دارای برداشتی می داند که در دامنه طیفی از اثبات گرایی گلیرز و اشتراس و کوربن تا پسامدرن نسبت می دهند به این امر تاکید می شود که باید این امکان را فراهم کرد که نظریه از داده ها تکوین یابد نه اینکه مقوله های ویژه ای در این راه مورد نظر قرار گیرد و بیش از اندازه بر قواعد و شیوه ها تاکید نمود (بازرگان، ۱۳۹۱، صص ۱۰۵-۱۰۳)

۱.۵. کدگذاری باز

کدگذاری باز جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده ها نام گذاری و طبقه بندی کردن داده ها انجام می شود برای طبقه بندی دقیق مفاهیم در مقوله ها هر مفهوم بعد از تفکیک برچسب خورده و داده های خام به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه ها مفهوم سازی شدند داده های جمع آوری شده از مصاحبه شوندگان کدگذاری شدند تا به شکل راحت تری شباهت ها و تفاوت ها شنیده شوند جدول شماره یک نمونه کد گذاری اولیه در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش دانشجویی آورده شده است کدگذاری محوری همان طوری که گفته شد در این پژوهش با

تکیه بر روش نوحاسته برای توسعه مدل م جنبش دانشجویی مبتنی بر روابط دولت ها و روشنفکران بهره برده شده است در این راستا دو الگو توسعه داده شده است یکی الگوی تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی و دیگری الگوی تجویزی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای روشنفکران و روابط دولتها در جهت رفع ضعف جنبش دانشجویی برای هر دو الگو کدگذاری باز کدگذاری محوری کدگذاری انتخابی برای مقوله اصلی بهره برده شده است اما جای دادن مقوله ها در دو الگو بر اساس ابتکار و خلاقیت محقق و مشاهدات و برداشتها از مصاحبه ها بوده است.

جدول شماره ی ۱: نمونه کد گذاری اولیه باز در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش دانشجویی

| مقوله های فرعی | کدهای باز استخراج شده از مصاحبه | متن مصاحبه |
|----------------|---|---|
| تضاد و چالش | مناسبات دولت ها با جنبش دانشجویی | رابطه دولت ها با جنبش دانشجویی تا ۸۴ غیر از یک مقطع در اکثر این زمان ها یعنی دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ تا ۸۴ که احمدی نژاد رئیس جمهور می شود اکثر زمان دانشجویان تشکل ها نسبت به دولت ها نقش آمریت داشتند |
| ایدئولوژی | تجدید نظر طلبی، آزادی خواهی، دموکراسی خواهی | فعالان جریان های دانشجویی ایدئولوژی های دهه شصت را فاقد کار آمدی و واقع گرایی لازم می دانستند از این رویک تجدید نظر طلبی نرم و آهسته آغاز شد این تجدید نظر خواهی کم کم تحت تاثیر جریان روشنفکری دینی لیبرالی قرار گرفت و گفتمان عمل گرایی و واقع گرایی با آزادی خواهی و دموکراسی خواهی جایگزین شد |
| | | اینکه جنبش دانشجویی با دولت آقای روحانی تقابل یا تعامل داشته است بیشتر مشاهده میشود که آنها وارد فاز دوم یعنی صنفی می شوند و از فاز سیاسی به فضای اجتماعی و گام |

| | | |
|---------------------|--------------------------------|--|
| آرمان‌گریزی | صنفي ورفاهي | <p>سوم (دوره دوم دولت آقای روحانی) از فاز اجتماعی به فاز رفاهی ورود می‌کنند. انتقادی به سیاست رییس جمهور ندارند و رئیس جمهور هر کاری می‌خواهد انجام می‌دهد ما داریم زندگی خودمان را انجام می‌دهیم روابط دختر و پسر رفاهیست و ... مدنظر است در این زمان شورای صنفی قدرت می‌گیرد و چپ مارکسیستی در جریان‌های صنفی نفوذ پیدا می‌کند یعنی با افول جنبش دانشجویی مسلمان جریان چپ مقداری قدرت می‌گیرد</p> |
| همسویی، تقابل، عزلت | رابطه روشنفکری و جنبش دانشجویی | <p>معتقدم جنبش دانشجویی شاخه‌ای از جریان روشنفکری است جنبش دانشجویی مسلمان به قدری با جریان روشنفکری مذهبی ارتباط نزدیک دارد که می‌توانیم بگوییم شاخه‌ای از روشنفکری دینی است آقای سروش هم گفتمان روشنفکری دینی است ما باید روشنفکری دینی را یک طیف در نظر بگیریم در این طیف دکتر شریعتی و دکتر سروش و ... هستند که مختلف و گاهی مقابل همدیگر نیز خیلی جاها قرار دارند آقای سروش می‌شود انتهای جریان دینی غرب‌گرا یعنی از آقای مهندس بازرگان هم یک گام به سمت غرب نزدیک‌تر است البته در انتها جریان دانشجویی با دکتر سروش قطع می‌شود</p> |

۲.۵. الگوی تشخیص و تبیین

این الگو برای شناخت زمینه‌ها و علت‌های ضعف جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی

تدوین شده است تمامی مقوله های فرعی و اصلی این الگو بر اساس ابتکار محقق و با بررسی عمیق و اکتشافی از متن مصاحبه ها و کدهای باز سازمان یافته از آن‌ها توسعه یافته است این الگو از سه مقوله اصلی علل ضعف یاسکون و تغییر مسیر جنبش دانشجویی نشانه های افت شاخص های جنبش دانشجویی و عواقب ضعف جنبش دانشجویی و ۱۰ مقوله ای فرعی بر اساس جدول شماره ۲ توسعه داده شده است.

جدول شماره: (۲) کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های اصلی شناسایی شده برای الگوی

تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی

| مقوله های اصلی | مقوله های فرعی (کدهای محوری) | شاخص ها (کدهای باز) |
|---------------------------------------|-----------------------------------|---|
| | تضاد دولت ها با جنبش دانشجویی | اقتدار گرایی دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت بی اثر دانستن فعالیت های جنبش دانشجویی |
| | عزلت روشنفکران | فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو و جذاب، ادبیات روشنفکران برآورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری |
| | سوءاستفاده احزاب از جنبش دانشجویی | تبدیل تشکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنبش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها |
| علل ضعف جنبش دانشجویی پس از انقلاب | قوانین غیرمنعطف دانشگاهها | امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر بر تشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی |

| | | |
|-----------------------------|--|---|
| اسلامی | بی تأثیری استادان دانشگاهها | فقدان آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان، |
| نشانه های افت جنبش دانشجویی | فاصله از آرمان های انقلاب | تغییر گفتمان جنبش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی فتنه بر معنویت |
| | کاهش مشارکت | کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای |
| | صنفاى ورفاهى شدن | رشد تشکل های صنفاى بجای تشکل های سیاسى |
| | رشد فرد گرایی دانشجویان | رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادى بجای امور سیاسى، مصرف گرا شدن |
| عواقب ضعف جنبش دانشجویی | تغییر از عامل جریان ساز پیشرو به موضع انفعال | عدم صدور بیانیه و موضع گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست های سیاسی و دوره های آموزشی |
| | | تغییر گفتمان به دموکراسی خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی، |
| | رشد جریان های التقاطی | تغییر خواسته های دانشجویان، رشد جریان های مارکسیستی و لیبرالیستی |

۳.۵. الگوی توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر روابط دولت ها و روشنفکران

این الگو بر تحلیل نقاط ضعف جنبش دانشجویی متکی بر شاخص های جنبش دانشجویی پرداخته است. این الگو دارای پنج مقوله اصلی ماهیت های تقویت کننده دو پدیده محوری روابط دولت ها و مناسبات روشنفکران، نتایج و راهبردها و ۲۰ مقوله فرعی بر اساس جدول شماره ۳ توسعه داده شده است.

جدول شماره (۳): کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های اصلی شناسایی شده برای الگوی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای مناسبات با دولت ها و روشنفکران

| مقوله های اصلی | مقوله های فرعی (کدهای محوری) | شاخص ها (کدهای باز) |
|----------------------------------|------------------------------|--|
| ماهیت تقویت کنندگی | کمال گرایی (آرمان گرایی) | استکبارستیزی، استبدادستیزس، اصولگرایی |
| | ایدئولوژی | باور مشترک، اعتقادات، نگرشها، جهان بینی |
| | مطالبه گری | خواهی، فسادستیزی، روشنگری، پرسشگری |
| | تقدم عبودیت بر سیاست | تقویت روحیه تعبد، توحید گرایی، تلاش برای دگر خواهی |
| | فرا ساختار | پیشتانسبت به دولت، تحول آفرین، رفتار انقلابی |
| | عدم وابستگی با دولت | منتقد دولت ها، توسعه سیاسی |
| | پدیده محوری دولت ها | تعامل عاملیت و ساختار |
| غلبه کنشگری بر ساختار (دولتها) | | انتقاد و مطالبه گری در پی فضای باز سیاسی |
| غلبه ساختارها (دولتها) بر کنشگری | | تضاد و تقابل بین دولت ها و جنبشه دانشجویی |
| پدیده محوری | مشارکت و دخالت | همسویی با گفتمان دولت و حمایت از آن |
| | | |

| | | |
|-----------|-----------------------------------|---|
| روشنفکران | انتقاد | نقد و چالش بر گفتمان های دولت ها |
| | انزوا و کناره گیری | سکوت و نازایی فکری و عزلت گزینی |
| نتایج | همسویی دولت ها و جنبش دانشجویی | رونق جنبش دانشجویی و نزدیکی به کارکرد اصلی |
| | رویکرد مردم سالاری دینی دولت ها | افزایش مشارکت، بالا رفتن سرمایه اجتماعی، کنشگری جنبش |
| | اقتدارگرایی دولت ها | تضاد و چالش، انفعال و انحراف |
| راهبردها | فضای باز سیاسی | حمایت از جلسات نقد و مطالبه گری، آزاداندیشی، کاهش فشارهای ساختاری |
| | بصیرت افزایی | دوره های آموزشی جریان شناسی، بررسی حکمرانی خوب، تحلیل مسایل منطقه و بین الملل |
| | تقویت اتحادیه تشکل های دانشجویی | تربیت سیاسی، کادر سازی و نیرو سازی، |
| | انگیزش فعالیت های سیاسی دانشجویان | حمایت از فعالان دانشجویی، برجسته سازی فعالیت سیاسی در کنار علم آموزی |
| | تغییر ساختارهای آموزشی | نفسی مدرک گرایی و رشد مهارت آموزی، تغییر سرفصل کتب علوم انسانی |
| | | |

۴.۵ استخراج چارچوب بر اساس دو الگوی پیشنهادی در کدگذاری های انجام شده

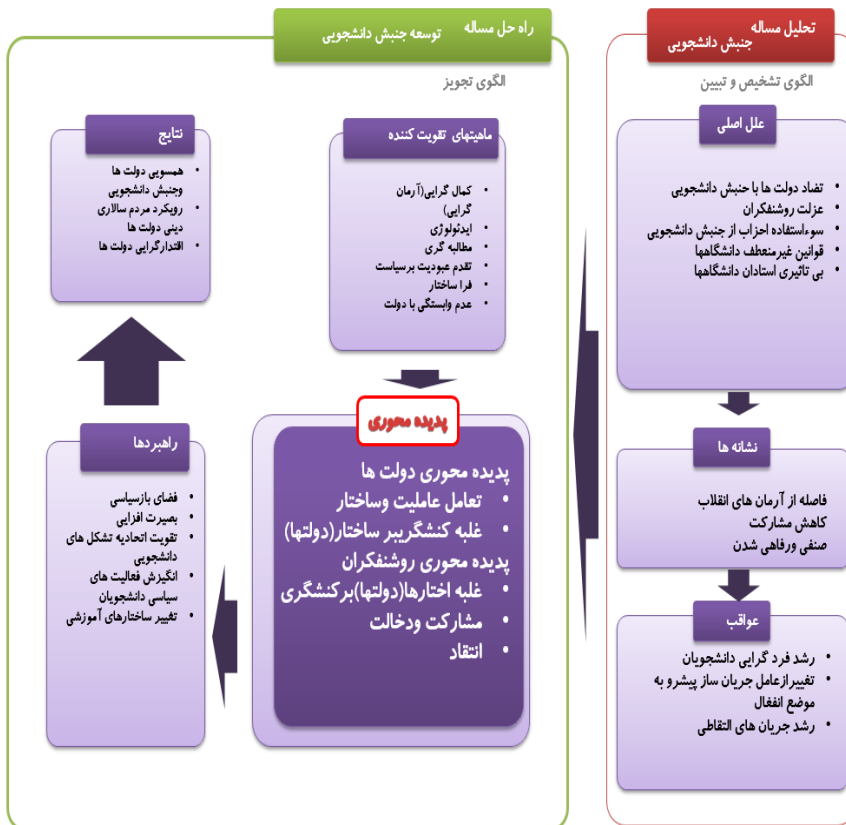
از آنجایی که در این پژوهش از رویکرد نوحاسته در روش نظریه پردازی داده بنیاد برای تحلیل جنبش دانشجویی مبتنی بر دولت‌ها و روشنفکران اسلامی بهره برده شده است بنابراین قرار دادن

مقوله‌ای اصلی و محوری بر اساس ابتکار محقق بوده و چهارچوب مستخرج از کد گذاری های انجام شده در شکل شماره ۱ آورده شده است. این چارچوب فرآیندی در راستای تحلیل اجتماعی جنبش اجتماعی بر مبنای دولت ها و و روشنفکران می باشد که در آن در فاز تشخیص در ابتدا به علل نشانه ها و عواقب ضعف جنبش دانشجویی در دانشگاه ها پرداخته شده است از جمله عللی که برای تضعیف جنبش دانشجویی در این پژوهش یافته شده است می توان به اقتدار گرایی و بی اثر دانستن فعالیت های جنبش دانشجویی دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت، فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو و جذاب، ادبیات روشنفکران برآورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری، تبدیل تشکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنبش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها، امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر بر تشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی، نگرانی از آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان می باشد. نشانه های افت جنبش دانشجویی تغییر گفتمان جنبش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی فتنه سیاست بر معنویت کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای تشکل های صنفی بجای تشکل های سیاسی است. از عواقب ضعف جنبش دانشجویی رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادی بجای امور سیاسی، مصرف گرا شدن عدم صدور بیانیه و موضع گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست های سیاسی و دوره های آموزشی تغییر گفتمان اسلام خواهی به دمکراسی خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی، تغییر خواسته های دانشجویان، رشد جریان های مارکسیستی و لیبرالیستی می باشد.

در الگوی تجویز ارائه شده در چهارچوب دوم این پژوهش دو پدیده محوری وجود دارد اول دولت ها که در واقع همان جنبه ای است که با جنبش دانشجویی ارتباطی مستقیم دارد و نقش آن در توسعه یا افول جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است یعنی نوع نگاه دولت‌ها به دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی و روابط بین آنها و تاثیر آن بر جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است. پدیده محوری دوم در این چارچوب نقش روشنفکران در جنبش دانشجویی می باشد یعنی گروهی که

بیرون از ساختار دانشگاه‌ها حضور دارند و به عنوان ذهن جامعه خواه ناخواه با ساخت قدرت سیاسی برخورد پیدا می‌کنند که یا ساختارها بر آنها غلبه می‌کند و یا در امور با دولت‌ها مشارکت و دخالت می‌کنند یا به انتقاد پرداخته و ارزش‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند و توانایی انتقال هر کدام از رویکردها را به دانشجویان دارا هستند...

در این مدل ماهیت‌های تقویت‌کننده جنبش دانشجویی شامل موارد: کمال‌گرایی (آرمان‌گرایی)، ایدئولوژی، مطالبه‌گری، تقدم عبودیت بر سیاست، فرا ساختار، عدم وابستگی به دولت می‌باشد. وجود هریک از پدیده‌های ذکر شده در بخش ماهیت‌های تقویت‌کننده می‌تواند باعث رونق جنبش دانشجویی باشد.



نتیجه گیری:

این پژوهش به دنبال طراحی چارچوبی برای تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی بر مبنای مناسبات دولت ها و روشنفکران اسلامی پس از انقلاب اسلامی با جنبش دانشجویی بوده است. که با اتخاذ روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوخاسته به دنبال کشف مجموعه ای از عوامل موثر بر جنبش دانشجویی در قالب چارچوبی برای تحلیل آن بر مبنای دولت ها و روشنفکران بوده است در این راستا بررسی نتایج پژوهش های پیشین چون مطلبی (۱۳۹۴) نشان داده است که جنبش دانشجویی به مثابه بخشی از جریان روشنفکری است و کلانتری (۱۳۸۸) گفتمان روشنفکران را عامل تاثیر گذاری بر مواضع جنبش دانشجویی می داند این تحقیقات نشان داده است که روشنفکران بر جنبش دانشجویی موثر می باشند. از دیگر یافته های مهم این تحقیق اشاره به تاثیر دولت ها بر جنبش دانشجویی است در این راستا پژوهش جلالی پور (۱۳۸۹) نشان داد که ساختار ها مانند دولت و قوانین دانشگاه ها به سیاست مهار جنبش دانشجویی فکر می کنند. طالب جلیلیان (۱۳۹۳) نیز دولت را بر فراز و فرود جنبش دانشجویی موثر می داند. شهناز کریمی (۱۳۸۸) جنبش دانشجویی را تحت تاثیر گفتمان دولت ها می داند. سجادی (۱۳۹۴) ظهور و بروز جنبش دانشجویی را با ساختار و کارکرد نظام سیاسی دارای ارتباط تنگاتنگی می داند. میلتن مکاف و ریچارد فلکس (۱۹۷۱) بررسی تغییرات زمینه های اجتماعی شرکت کنندگان در شورش های دانشجویی می پردازد و عواملی از قبیل ساختار طبقاتی جامعه، استبدادی بودن ساختارهای سیاسی آمریکا را بررسی می کنند. روابط دولت- ملت گفتمان ها و فعالیت های جنبش دانشجویی پکن که توسط دیانگین زاوو (۲۰۰۰) انجام شده است، الگوی عمل در جنبش دانشجویی متاثر از روابط دولت و ملت در چین می باشد که با یافته های تحقیق هم خوانی دارد.

از دیگر یافته های مهم این تحقیق اشاره به مطالبه گری به عنوان یک ماهیت تقویت کننده برای جنبش دانشجویی است که با یافته های جلالی پور (۱۳۸۹) که اهداف دائمی جنبش دانشجویی را تقویت عرصه عمومی نقد می داند و مطلبی (۱۳۹۴) که بیان می دارد، جنبش دانشجویی مطالبات خود و مردم را به حکومت کنندگان تزریق می کنند هم خوانی دارد.

از دیگر یافته های این تحقیق موثر بودن ایدئولوژی به عنوان ماهیت های تقویت کننده در این زمینه است که با گفته های نخعی (۱۳۹۵) که ایدئولوژی اسلام گرایی را عامل موفقیت جنبش دانشجویی می داند هم خوانی دارد. همچنین کریمیان (۱۳۹۰) جنبش دانشجویی را نیازمند به ایدئولوژی های

منسجم و سنجیده انقلابی و یا اصلاح طلب می‌داند. از دیگر یافته‌های این پژوهش اهمیت آرمان‌گرایی (کمال‌گرایی) برجسته دانشجویی است که به عنوان تقویت‌کننده در این زمینه است و با گفته‌های کریمیان (۱۳۹۰) که یکی از مهم‌ترین کارکردهای جنبش دانشجویی را نقد وضعیت موجود و دستیابی به آرمان‌ها و آرزوهای اجتماعی دانشجویان مطرح می‌کند هم خوانی دارد.

در این راستا اتخاذ راهبردهای چون فضای باز سیاسی با تأکید بر ارتباط دولت‌ها با جنبش دانشجویی از تضاد و تقابل به رفتار دموکراتیک و تغییر غلبه ساختار بر کنشگران سیاسی به تعامل بین این دو، بصیرت‌افزایی دانشجویان در مباحث سیاسی و پرهیز آنان از گرایش به احزاب خارج از دانشگاه، تقویت اتحادیه‌های تشکلی دانشجویی به عنوان مجمعی برآمده از اراده تشکلی‌های دانشجویی و بدون وابستگی به جریان‌های سیاسی، ارتقاء انگیزش فعالیت‌های سیاسی دانشجویان با کاهش فضای امنیتی و برخورد مقابله‌ای و تغییر ساختار آموزشی از مدرک‌گرایی دانشجویان و تخصص‌گرای محض (که سبب دوری از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شده است) به تربیت عنصر فعال علمی، فرهنگی، اجتماعی و مسئولیت‌پذیر در برابر اجتماع و همچنین توجه به جایگاه روشنفکران دینی در جامعه می‌تواند راهبردهای احتمالی و مناسبی برای نیل به توسعه جنبش دانشجویی باشد. قاعدتاً نتایج مورد انتظار از راهبردهای تقویت جنبش دانشجویی در دانشگاه بر مبنای رابطه با دولت‌ها می‌تواند منجر به افزایش سطح مشارکت اجتماعی، پویایی، آرمان‌خواهی توجه به ایدئولوژی اسلام و رونق مطالبه‌گری و تقدم عبودیت و بندگی بر سیاست در فعالیت‌های سیاسی (اسلام‌خواهی) قرار خواهند گرفت همچنین تعدیل قوانین درونی دانشگاه و تسهیل در فعالیت‌های دانشجویی به مسئولین و مدیران فعالیت‌های دانشجویی توصیه می‌گردد.

پیشنهادات:

۱- زمینه گفتگو و اندیشه‌ورزی روشنفکران دینی و مصلحان در دانشگاهها فراهم گردد و از صورت بروکراسی و اخذ مجوزهای صعب و دشوار (ونگاه سخت‌گیرانه) خارج تا صدای اندیشه‌ها شنیده شود.

۲- تصدی‌گری دولتی و فرمایشی شدن فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و مذهبی در دانشگاهها سبب کاهش سرمایه اجتماعی شده است. این امور همانند دهه اول انقلاب دانشجوی محور شده و به تشکلی‌ها برگردد.

۳- جنبش دانشجویی از کارکرد اصلی خود آرمان خواهی و مطالبه گری و انتقاد نسبت به حکمرانی فاصله گرفته است و به دنبال حل مسائل اجتماعی و مقطعی می باشد. پیشنهاد می گردد از این فرصت مباحث بصیرتی به جریان های دانشجویی در حین عمل آموزش داده شود. والگوی خدمت جهادی (اجتماعی) با مطالبه گری سیاسی توأم گردد.

۴- اتحادیه های دانشجویی به کنشگری سیاسی دانشجویی سرعت بخشیده و از ساختارهای ناکارآمد آنها را رها می سازد. بنابراین تقویت اتحادیه های تشکل های دانشجویی در اولویت قرار گیرد.

کتابنامه:

۱. اسماعیلی، حمیدرضا. (۱۳۹۸) ایدئولوژی اصلاحات، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. اشرف زاده بردار، محمد. (۱۳۸۴) انقلاب فرهنگی در دانشگاه های ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب
۳. آیت الله خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۷۷) بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، بازپایبشده در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷
۴. وبسایت رهبری به آدرس <https://www.leader.ir/fa/speech/1618>
۵. باتامور، تی بی (۱۳۷۲) برگزیدگان و جامعه (مترجم: علی هاشمی گیلانی، چ اول، ۱۳۷۲) مشهد: انتشارات مرندید
۶. باری موریس (۱۳۸۳) مدرنیته سیاسی (مترجم: عبدالوهاب احمدی ۱۳۸۳) تهران: نشر آگه
۷. بازرگان، ع. (۱۳۹۶) مقدمه ی بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چ هشتم، تهران: نشر دیدار
۸. بشیریه، حسین. (۱۳۸۰) دیباچه ی بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات نگاه معاصر
۹. جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۹۷). تحلیل جنبش های دانشجویی، روزنامه همشهری ۱۵ آذر ۱۳۹۵، ص ۲

۱۰. جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۸۹) جنبش دانشجویی در ایران با تاکید بر فعالیت های دانشجویی در دوره اصلاحات "۱۳۷۶-۱۳۸۴" مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، صص ۱۷۹-۲۱۳
۱۱. جمالی، حسین. (۱۳۸۰) تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه
۱۲. قادری، حاتم. (۱۳۸۲) جنبش دانشجویی امروز دیروز فردا، تهران: نشر نی
۱۳. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۴) «جنبش دانشجویی در ایران»: تأملی نظری، خردنامه (ضمیمه روزنامه همشهری ۱۷ آذر ۱۳۸۴) صص ۱۶-۱۷
۱۴. دژاکام، علی (۱۳۷۹) (روش تفکری از منظر شهید مطهری) دو ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اندیشه حوزه، ۶ (۲۴)، صص ۸-۱۵
۱۵. دهخدا، (۱۳۴۶) لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ج ۲۶، تهران: شرکت چاپ ۱۲۸، ص ۱۷۱.
۱۶. رحمت الهی، حسین. (۱۳۹۸) تحول قدرت، چ دوم، تهران: نشر میزان
۱۷. رکابیان، رشید (۱۳۹۷) تبیین رابطه دولت و جامعه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی سیاست متعالی، شماره ۲۰، صص ۶۸-۸۰
۱۸. رکابیان، رشید (۱۳۹۴)، بررسی نظریه های دولت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر سخنوران
۱۹. رکابیان، رشید (۱۳۹۵) نظریه دولت مطوب در اندیشه امام خمینی (ره) پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۹، صص ۱۴۱-۱۲۱
۲۰. ریتز، جورج، ثلاثی، محسن. (۱۳۸۵) نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، (چ یازدهم) تهران، انتشارات علمی
۲۱. زیبا کلام، صادق (۱۳۹۳) احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۲۹ (۱۰) صص ۷-۲۸
۲۲. شبکلائی، علی (۱۷ آذر ۱۳۷۷). «کارکردهای جنبش دانشجویی»، روزنامه همشهری، ۱۷ آذر.
۲۳. شریعتی، علی (۱۳۷۷) بازگشت (مجموعه آثار) ج ۴، تهران: انتشارات الهام
۲۴. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۰) بنیادهای علم سیاست، ن (چ هشتم) تهران: نشر نی
۲۵. عالم، عبدالرحمان، (۱۳۸۴) مبانی علم سیاست، تهران، نشر نی

۲۶. غفاری، غلامرضا، ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۹۰) تغییرات اجتماعی، چ هفتم، تهران: انتشارات لویه، آگرا
۲۷. کریمیان، علیرضا، (۱۳۹۰) جنبش دانشجویی در ایران از تاسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چ دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۸. گرامشی، آنتونیو. (۱۳۸۵) گزیده ای از آثار، چ ۲، تهران: انتشارات بابک، ایتالیا
۲۹. گرناپایه، بهروز (۱۳۷۸) جنبش دانشجویی ایران، تهران: انتشارات جیبی
۳۰. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۹۵) روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران، اطلاعات
۳۱. مشیرزاده، حمیرا. (1381) درآمدی نظری بر جنبش های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)
۳۲. معین، محمد (۱۳۶۲) فرهنگ فارسی، چ ۵، انتشارات امیرکبیر، تهران
۳۳. منوچهر آریان پور کاشانی (۱۳۸۲) فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، چ چهارم، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه
۳۴. جهانبخش، فروغ، جلیل، پروین (۱۳۸۵)، اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران از بازرگان تا سروش، تهران: ناشر گام نو
۳۵. نادری، عزت اله، سیف نراقی، مریم (۱۳۹۶) روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات ارسباران
۳۶. نخعی، هادی. (۱۳۹۵) مرور توصیفی-تحلیلی تحولات پنج‌ساله جنبش دانشجویی، پیدایش، گسترش، افول (۱۳۵۹-۱۳۰۹)، چ اول، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام
۳۷. نش، کیت. (1392) جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
۳۸. وینست، اندرو، (۱۳۸۳) نظریه های دولت، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
۳۹. وینست، اندرو (۱۳۸۹) نظریه های دولت (ترجم: حسین بشیریه چاپ هفتم ۱۳۸۹) تهران: نشر نی
۴۰. هولاب، رابرت؛ و هابر-مارس، یورگن (۱۳۹۷)، نقد در حوزه عمومی (ترجمه حسین بشیریه، ۱۳۹۷ چاپ دهم) تهران: نشر نی

41. Glaser, B. S., & Strauss, A. (1967). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.

42. Donald k.Emerson Student and Political Development Nation New York: Praeger 1967
43. S.M. Lipset and P .G.Altabach Student in Revolt Boston Honughton Miffilin 1961
44. Glaser, B. S., & Strauss, A. (1971). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.
45. Social Movement A dictionary of Modern Society New York Crowell 1969
46. Rudolf Heberle Social Movements Appieto-Century-Croft New York 1951
47. Hodges Graham.The Selling of Civil Rghits: The Student Nonviolevt Coordinating Committee and the use of Public Relations New York: Routledge 2006
48. Stommel, M., & Wills, CE. (2004). clinical research: concepts and principles for advanced practice nurses. Philadelphia. lippincott Williams and wilkins
49. Durkheim, emile,suicide: astudy in soliology,newyork,the free pross,1951/referred to in notes as suicide.hv65450812